

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

کارگاه آنلاین  
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

## نگار نامه بهزاد در نامه نامی

دکتر محمد ابراهیم ایرج پور<sup>۱</sup>

دکتر حمید رضایی<sup>۲</sup> ، زهرا نوربخش<sup>۳</sup>

### چکیده

غیاث الدین بن خواجه هماد الدین محمد، معروف به خواندمیر از رجال اواخر عهد تیموری و اوایل دوران صفوی و از نویسندگان و مورخان برجسته عهد تیموری است که آثار گرانقدری در زمینه تاریخ و ادبیات از خود به جای گذاشت. خواند میر صاحب آثار متعددی بویژه در فن انشاست. نامه نامی اثر معروف او در این زمینه است که تا کنون به صورت نسخه خطی باقی مانده است. این کتاب مجموعه ای است از مراسلات و منشآت که آن ها را خواندمیر به عنوان دستور کتابت و انشا جهت منشیان و مترسلان از رسایل و مکاتبات رسمی و درباری پیشینیان جمع کرده است. وی این نامه ها را در سال (۹۲۵ یا ۹۲۶ هـ ق) زمانی که در چهل و شش یا چهل و هفت سالگی در هرات ساکن بود به رشته تحریر در آورده است.

این اثر از یک دیباچه و نه فصل و هر فصل از چندین بخش و قسمت تشکیل شده است که در نسخ در دسترس و موجود از فصول و ابواب آن، با نام سطر و لفظ عنوان شده است. تصحیح این اثر به علت اشمال آن بر رویدادهای تاریخی و ارزش ادبی آن و همچنین عرضه اطلاعات درباره شخصیت هایی چون سلطان حسین بایقرا و فرزندانش و هنرمندانی و الامقام نظیر کمال الدین بهزاد که خدمات ارزنده ای به فرهنگ و ادب ایران داشته اند حائز اهمیت است. علاوه بر این، اثر مورد نظر از لحاظ ادبی و در بر داشتن اطلاعاتی درباره موقعیت اجتماعی برای مخاطبان در شناخت اوضاع اجتماعی دوران نویسنده حائز اهمیت است.

**کلید واژه:** نامه نامی ، بهزاد ، خواند میر، منشور ، عصر صفوی

### مقدمه

ترسل و انشاء به لحاظ ادبی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی در دوره های مختلف تاریخی از اهمیت شایانی برخوردار بوده است. مستقلاً مطالعه و تحقیق در این زمینه، از یک سو پژوهندگان را در بازشناسی آداب نگارش و تطور ترسل و انشا در دوره های مختلف، یاری می کند و از سوی دیگر افق های تاریک و زوایای پنهان تاریخی و اجتماعی مخاطبان نامه ها را به روشنی باز می نماید. میان این آثار متعدد در زمینه ترسل و انشا دوران تیموری و صفوی می توان به منشآت جامی، رقعات امیر علیشیر نوایی و نامه نامی خواندمیر اشاره کرد که در این میان نامه نامی نیز مانند آثار نامبرده دارای اهمیت والایی است که در بین متون سبک منشیانه کمتر مورد توجه قرار گرفته و تاکنون به صورت نسخه خطی باقی مانده

۱ . استادیار زبان و ادبیات فارسی ، دانشگاه پیام نور ، irajpour20@yahoo.com

۲ . استادیار زبان و ادبیات فارسی ، دانشگاه پیام نور ، faanid2003@yahoo.com

۳ . کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی ، na.noorbakhsh@yahoo.com

است. «نامه نامی، نام مجموعه ای است از مراسلات و منشآت که آنها را خواندمیر به عنوان دستور کتابت و انشا جهت منشیان و مترسلان از رسایل و مکاتیب رسمی درباری پیشینیان جمع آورده است.» (نویسی، ۱۳۷۹: ۲۷). درنامه نامی پنج نامه آمده است که درباره بهزاد ویا از زبان خود اوست و در شناخت موقعیت اجتماعی و جایگاهش در بین حاکمان و مردم حائز اهمیت است.

قزوینی در بیست مقاله از این نامه ها به عنوان اسناد مهم تاریخی درباره زندگیاستاد بهزاد نام برده است که برای معرفی حال و شناخت تاریخ زندگانی استاد کمال الدین بهزاد دارای اهمیت و اعتبار است. (قزوینی، ۱۳۶۳: ۲۶۸، ۲۷۳). بهزاد و خواندمیر در دربار سلطان حسین بایقرا می زیسته اند و با هم رفاقت و دوستی داشته اند. دوستی بین آنها از مقدمه ای معلوم می شود که خواندمیر بر مرقعی که بهزاد از آثار خود ترتیب داده بود نوشته و امروزه جزو مجموعه نامه نامی است. (آزند، ۱۳۶۸: ۵۱).

خواندمیر در لفظ سوم از سطر سوم نامه هایی خطاب به نقاشان و مصوران نوشته است و بهزاد را یکی از برترین نقاشان آن دوره مورد خطاب قرار داده است.

دو نامه مهم در نامه نامی خواندمیر دیده می شود، که اولی مرقعی است که بهزاد از مجالس نقاشی خود جمع کرده بود و دیگری نشان تفویض کلانتری کتابخانه همایونی است. (آریان، ۱۳۶۲: ۷۴).

### زندگانی خواندمیر

غیاث الدین بن همام الدین محمد مشهور به خواندمیریکی از پرکارترین و پراوازه ترین نویسندگان و مورخان شیعی ایرانی دوران تیموری و صفوی است. در برخیا منابع زندگانی وی، نام دقیق وی غیاث الدین بن همام الدین گفته شده است. سال تولد او محققاً بین سال های ۸۸۰ و ۸۸۱ هـ ق. اتفاق افتاده است. چه به تصریح خود او در موقعی که درمشخان به جایامیرخان به حکومت کل خراسان می رسد و کریم الدین حبیب الله ساوجی وزیر او وارد خراسان می شود. سنش هفت یا هشت مرحله از چهل تجاوز کرده بود. چون کریم الدین ساوجی در سال ۹۲۸ هـ ق به خراسان آمده است، دیگر شکی باقی نمی ماند که خواندمیر در سال ۸۸۰ یا ۸۸۱ هـ ق. متولد شده است. (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۳). پدروی خواجه همام الدین محمد مدتی در دستگاه میرزا سلطان محمود (متوفی ۹۰۰ هـ ق) فرزند سلطان ابوسعید گورکان، پادشاه ماوراء النهر وزارت داشت. مادرش دختر میرخواند صاحب روضه الصفا بود. (خواندمیر، ۱۳۳۲: ۶). البته در کتاب مجالس النفایس امیر علیشیر نوایی از خواند میر به عنوان خواهرزاده میرخواندمورخ یادشده است. (نویسی، ۱۳۶۳: ۱۳۶). همچنین مؤلف عرفات العاشقین به اختلاف نظر درباره ی پدر خواندمیر اشاره کرده و گفته ی خود خواندمیر را که در حبیب السیر پدرش راهمام الدین امیر خواند بن خواند شاه معرفی نموده، نقل کرده است. (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۱۳۲۲).

دایی او نظام الدین سلطان احمد از مردان معروف و نامی قرن نهم هجری بوده است. (جداری کریمیان، ۱۳۸۹: ۷۹). از اشارات او در نوشته هایش پیداست که خاندان میرخواند به پرهیزگاری و دانش معروف بودند و خواندمیر نیز تحت توجهات جدّ مادری خود رشد کرد و به علم و ادب بویژه تاریخ توجهی شایان از خود نشان داد و در تاریخ نگاری از سرآمدان روزگار خود شد. (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۸۶).

در مورد محل تولد وی نیز اختلاف نظر وجود دارد: بر خلاف آنکه شرح حال نویسان به گونه ای قطعی می نویسند که او در هرات زاده شد، نمی توان هرات را زادگاه او دانست. پدرش همام الدین محمد بن خواجه جلال الدین محمد بن خواجه برهان الدین محمد شیرازی «در اکثر ایام سلطنت» میرزا سلطان محمود، فرزند ابوسعید تیموری وزیر او بود. میرزا سلطان محمود از ۸۷۳ هـ ق. که از هرات رانده شد و تا هنگام مرگش در ۹۰۰ هـ ق. در سمرقند حکم می راند. (رازی، ج ۳، بی تا: ۴۳۰).

خواندمیر از جمله مؤلفان مشهور و معروف دوران تیموری و آغاز عهد صفوی است. به علت کثرت تألیفات از جمله مؤلفان پرکار معرفی شده است و کتابهایش به علت سادگی و روانی انشاء شهرت و رواج بسیار یافت. (خبرزاده، ۱۳۷۰: ۴۵).

وی در سال ۹۰۴ هـ ق. مورد توجه و عنایت امیر علیشیر نوایی وزیر معروف هرات گرفت و به او اجازه داده شد تا از کتابخانه آن وزیر دل آگاه استفاده کند. وقتی امیرعلیشیر نوایی به استعداد این جوان پی برد او را به خدمت خود خواند. او در این تاریخ بیش از ۲۴ سال نداشت. پس از ۶ ماه مندرجات کتاب خلاصه الاخبار را از کتابخانه امیر علیشیر نوایی استخراج کرد و آن کتاب ظاهراً دومین اثر اوست که به نام مخدوم خود امیر علیشیر نوایی تألیف کرد. (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۳).

### تحصیلات خواندمیر و پیشرفت های علمی او

نگارش کتاب حبیب السیر نشان می دهد که خواندمیر در فن نثر و انشا توانا بوده و به اشعار و کتب متقدمین آگاهی تمام داشته. از همین جا معلوم می شود که وی مطابق معمول آن زمان، سنین کودکی را در تحصیل علوم متداوله زمان، یعنی طب، تفسیر و شعر و ادب و لغت و تاریخ گذرانده و در این مرحله پیشرفت زیادی نیز نموده است. تا آنجا که در سال ۹۰۴ هـ ق. مورد نظر و لطف امیرعلیشیر که قطب دایره فضل و کمال و محضرش مجمع علما و فضلالی اواخر قرن نهم بوده است، قرار گرفته و در کتابخانه او به مطالعه مشغول شده است. (نوایی، ۱۳۷۹: ۱۲). خواندمیر همه پیشرفت و ترقی علمی خود را مدیون خانواده خویش است که همه آنان افرادی دانشمند و از اکابر خراسان بودند. از بین آنان می توان به جد مادریاومیرخواند، مورخ معروف و منشی هنرمند مورد حمایت امیر علیشیر نوایی، وزیر سلطان حسین بایقرا ۹۰۰-۹۱۱ هـ ق. اشاره کرد، که به وی لطف و توجهی خاص داشت. خواندمیر همیشه با عنوان حضرت ابوی مخدومی از میرخواند یاد می کند. یعنی پدر مادر را احتراماً پدر خود معرفی می نموده است. (صفا، ۱۳۷۳: ج ۴: ۵۴۱). شهرت روز افزون و استعداد شایان توجه خواندمیر باعث شد تا روز به روز بیشتر مورد توجه شاهزادگان تیموری قرار گیرد تا جایی که آنان، او را به ندیمی خود خواندند. اما خواندمیر فقط به درخواست بزرگترین پسر سلطان حسین بایقرا، یعنی بدیع الزمان میرزا پاسخ داد و تا آخر دولت آن شاهزاده تیموری در خدمت او به سر برد.

### فرزندان خواندمیر

از خواندمیر دو پسر بر جای ماند. یکی محمود که هیچ گاه به هند مسافرت نکرد و مانند پدر و جدش از مورخان بزرگ به شمار می رود و کتابی به نام تاریخ شاه اسماعیل و شاه تهماسب اول نوشته و در آن از روزگار صفویان سخن گفته است. (صفا، ۱۳۷۳: ۵۴۲). امیر محمود به تشویق و ترغیب محمد خان اشرف الدین اوغلی از سران ایل تکلو که در هرات حکومت می کرد، کتاب شاه اسماعیل و شاه تهماسب صفوی را به سال ۹۵۳ هـ ق. آغاز و چهار سال بعد در سال ۹۵۷ هـ ق به پایان رسانید. (خواندمیر، ۱۳۷۰: ۲۰).

اما پسر کوچک خواندمیر، سید عبدالله بود که با پدر به هند رفت. او از خردسالی به دربار جلال الدین اکبر، امپراتور مغولی هند راه جست و نزد او پرورش یافت. از سال نهم سلطنت جلال الدین اکبر وارد خدمت نظام شد و تا پایان عمر وی در همان مقام باقی ماند. (همان، ۱۳۷۸: ۲۷) به نقل از ریو در شرح مختصری که در ذیل خلاصه الاخبار آورده است، پسر خواند میر معاصر اکبرشاه ۹۶۳ هـ ق. بود و در خدمت او می زیست. اکبر به او لقب خانی داد و به سید عبدالله خان مشهور شد و در سال ۹۹۶ هـ ق در ولایت کشمیر فوت کرد. (نوایی، ۱۳۷۹: ۱۸).

## وفات خواندمیر

خواند میر پس از مرگ بابر در سال ۹۲۷ هـ ق نزد پسرش همایون شاه مقرب گردید. در سال ۹۴۱ هـ ق. که همایون به ضد بهادر شاه حاکم گجرات لشکر کشید و در این سفر وی را با خود برد، سرزمین خشک و گرم گجرات هندو نیز مشکلات طول راه، خواندمیر سالخورده را متاثر و بیمار کرد و به نوشته همه تذکره نویسان در همان سال درگذشت. ولی تاریخ نگار اکبرشاه (م ۱۰۱۴ هـ ق) بر این باور است که خواندمیر در سال ۹۴۲ هـ ق. از دنیا رفته است، زیرا ماده تاریخ «شهاب ثاقب» را که در مرگ شهاب الدین معمایی ساخته، با سال ۹۴۲ هـ ق. برابر است. پس از مرگ وی، بنابر وصیت خودش جنازه او را به دهلی بردند و در جنب مزار خواجه نظام الدین اولیا و امیر خسرو دهلوی به خاک سپردند. (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۲۷).

## نامه نامی:

این کتاب را چنانکه خواندمیر در اوایل آن تصریح می کند در وقتی که سنین عمر او میان چهل و شش و چهل و هفت بود، به انجام رسانده و سال اتمام این اثر ۹۲۵ برابر ماده تاریخ «منشآت لطیفه» است. نامه نامی مشتمل است بر یک مقدمه در تاریخ انشا و اصول و قواعد آن و نه سطر به شرح زیر:

**سطر اول:** در مراسلات سلاطین و امراء و وزراء، پروانچیان، منشیان و مستوفیان منصب استیفا

**سطر دوم:** در مراسلات شیوخ و علما و قضات، اهل احتساب، فضلا، شعرا، خطباء، امامان جماعت، اطباء، منجمان، خطاطان و حافظان

**سطر سوم:** در مراسلات حکام و مأمورین، صاحب عیاران، دهاقین، معماران، صحافان، مجلدان، تیراندازان، خوانندگان، تجار و اهل نغمه

**سطر چهارم:** در مراسلاتی که خطاب به محترفه و پیشه وران صرافان، قنادان، عطاران، خبازان، آشپزان، قصابان، بزازان، خیاطان، رنگرزان، سراجان، درودگران، بقالان و حمامیاناست.

**سطر پنجم:** در مراسلات به خویشان و دوستان، پدر و مادر، برادر و فرزندان

**سطر ششم:** در مراسلات تهنیت

**سطر هفتم:** در مراسلات تعزیت

**سطر هشتم:** در مراسلات متفرقه به بعضی مخادیم

**سطر نهم:** در تحریر مناشیر

خاتمه در ذکر رباعیات و قطعات منظوم از خود مؤلف، برای گنجاندن در مراسلات و معمیات و ماده تاریخ ها می باشد اهمیت کتاب

موضوع نامه نامی چگونگی نامه نگاری و شیوه و روش نوشتن و نمونه مکاتباتی است که در عصر مؤلف رواج داشته و ظاهراً برای آن نگاشته شده تا دبیران و نویسندگان نامه های دولتی و غیردولتی همه اقشار جامعه در هر طبقه ای که هستند، نمونه هایی در هر زمینه داشته باشند و بتوانند با توجه به این نمونه ها، نامه های خویش را به نگارش درآورند، علاوه بر این موضوع، این اثر از جنبه های ادبی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی و... دارای اهمیت است که در این بخش به دو مورد از این موارد بسنده می کنیم.

## ۱- از لحاظ ادبی:



این کتاب نمونه انشای فارسی در قرن نهم و دهم هـ.ق و نمونه ای از نثر منشیانه و مسجع آن دوره به شمار می آید و می تواند برای مقایسه بین شیوه های مختلف انشای فارسی در دوره های مختلف مورد استفاده ادب دوستان و علاقمندان در این زمینه قرار بگیرد.

## ۲- اعلام تاریخی نامه نامی:

این اثر علاوه بر ارزش و اهمیت ادبی که در زمینه ترسل و انشا دارد در بردارنده اعلام تاریخی مهمی است که برای نمونه به چند مورد از آن ها اشاره می شود:

از شخصیت های مهم و رجال معروف دربار سلطان حسین بایقرا می توان به امیر علیشیر نوایی اشاره کرد. او از ممدوحین و مخدمین خواندمیر بوده است. امیر علیشیر وزیر دانش پرور سلطان حسین بایقرا بوده و همچنین منصب مهاداری سلطان حسین بایقرا را هم برعهده داشته است. وی مردی شاعر دوست و شاعر پرور بوده و خود نیز شعر می گفته و دیوان اشعارش به ترکی و فارسی مشهور است و آثار زیادی در زمینه ادبیات دارد که از آن به مجالس النفایس و خمسۀ المتحیرین می توان اشاره کرد. (نوایی، ۱۳۷۹: ۲۱).

بهزاد و خواندمیر در دربار سلطان حسین بایقرا می زیسته اند و با هم رفاقت و دوستی داشته اند. دوستی بین آنها از مقدمه ای معلوم می شود که خواندمیر بر مرقعی که بهزاد از آثار خود ترتیب داده بود نوشته و امروزه جزو مجموعه نامه نامی است. (آژند، ۱۳۶۸: ۵).

## زندگی نامه بهزاد

کمال الدین بهزاد در اواخر سده ۹ هجری در هرات به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و امیر روح الله معروف به میرک سرپرستی او را به عهده گرفت. (قمی، بی تا: ۱۳۴) به این ترتیب بود که زیر نظر این استاد بزرگ پرورش یافت و به تبعیت از میرک که کتابدار خاص کتابخانه سلطان حسین بایقرا بود، وارد کتابخانه شاهی شد و توانست از یکی از مهمترین کانونهای هنری آن روزگار بهره مند شود. بهزاد در هرات با بزرگان سرآمد روزگار خویش روابطی نزدیک داشت، از جمله زبندگان این گروه سلطان حسین بایقرا، امیر علیشیر نوایی، نور الدین و خواندمیر بودند که بهزاد با هر کدام از آنها ارتباطی خاص و ویژه داشت. (فراهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۳۸۳)

در لفظ سوم از سطر سوم نامه نامی که خطاب به نقاشان و مصوران است، دو نامه از خواندمیر و بهزاد آمده است که با توجه به تقسیمات ساختاری نامه ها و بافت بیرونی آنها می توان گفت نوعی تهنیت نامه است که در آن بهزاد امید ملاقات هر چه زودتر را به خواندمیر نوید می دهد. (رک قوام و... ۱۳۹۱: ۴۹) عبارات و الفاظ مکتوب در نامه خواندمیر به بهزاد و پاسخ بهزاد به وی نشانه مبرهن و آشکاری بر رابطه دوستی و نزدیکی ایشان است. در این نامه خواندمیر، بهزاد را یکی از برترین نقاشان آن دوره معرفی کرده است. و بدون شک این نام در خور و شایسته اوست. این نامه با عبارت زیر آغاز می شود:

«چون مصور تقدیر ازلی، به قلم قدرت لم یزلی، نقش مهر و محبت و مودت وحید دوران و مرجع مهندسان زمان نادرالعصر خجسته نهاد استاد کمال الدین بهزاد را بر صفحه ضمیر این فقیر تحریر بر لوح خاطر فاطر کالنقش فی الحجر تصویر نموده...»

دو نامه مهم در نامه نامی خواندمیر دیده می شود، که اولی مرقعی است که بهزاد از مجالس نقاشی خود جمع کرده بود و دیگری نشان تفویض کلانتری کتابخانه همایونی است. (آریان، ۱۳۶۲: ۷۴).

به گفته جعفر تبریزی، خوشنویس معروف دوره تیموری، فرمان استیفا کلانتری کتابخانه همایونی یکی از منابع انگشت شمار مکتوب تاریخی است که نشانگر اوج مقام هنری و مدیریتی بهزاد در دستگاه حکومتی سلطان حسین بایقراست. (رک موسوی و... ۱۳۸۴: ۸۷)

صدور حکم کلانتری بهزاد در رسال ۹۲۸ ه ق و اعطای منصب نظارت بر کتابخانه سلطنتی به دست شاه اسماعیل صفوی نشانه مقام وموقعیت والای اوست که با فرمانی مملو از اصطلاحات و عبارات پر شوکت و شکوه همراه است و نه تنها اقتدار و حیثیت هنری او را نشان می دهد بلکه از نخستین مقام والای این هنرمند در دوره صفوی حکایت دارد. (ر.ک نوروزیان: ۱۳۸۶، ۷۴)

بر طبق این فرمان ،کاتبان ،نقاشان،مذهبان،جدول کشان،زرکوبان و حل کاران وسایر هنرمندان مشغول به امور کتابخانه تحت مدیریت او به کار می پردازند.

منشور کلانتری کتابخانه همایونی به اسم استاد کمال الدین بهزاد در نامه نامی این گونه آغاز می شود: «چون عمارت مصور کارخانه ایجاد و تکوین و مشیت به کارخانه آسمان بر طبق کلمه و صورکم و احسن صورکم نقش وجود به مراتب نمود نوع بشر در احسن صور به صفحه امکان پرداخته...»  
نامه دیگری از زبان کمال الدین بهزاد در نامه نامی وجود دارد که جواب مکتوب یکی از شاگردان او ،استاد قاسم علی چهره گشاست و با این بیت آغاز می شود:

چون صورت خط دلکشت چهره گشاید گناه ز دیده من گشت عیان نقش مراد  
خواندمیر در سطر هشتم در نامه های متفرقه و در لفظ دوم همین سطر، درباره بهزاد نامه ای دارد که او را به نیکویی ستایش و توصیف کرده است که با این عبارت شروع می شود:  
«این اوراق مرقع مظهر بدایع صور و مظهر نوادر سیر نادرالعصر صافی اعتقاد سالک مسالک محبت و وداد استاد کمال الدین بهزاد است(صفحه ب ۱۰۳ سطر ۴)  
معرفی نسخه ها

#### ۱- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی

این نسخه به شماره ۹۶۶۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است. نسخه به خط نستعلیق بدون نام کاتب و بدون تاریخ کتابت است. تعداد اوراق آن ۱۷۰ برگ است کهاز برگ ۱۴۸ به بعد منشآت قاضی محی الدین را شامل می شود. در آغاز نسخه یادداشت تملک از مهدی قلی و یادداشت دیگری درباره کتاب و مؤلف به خط سعید نفیسی آمده است. این دست نویس در تصحیح حاضر به عنوان نسخه اساس انتخاب گردیده است.

#### ۲- نسخه خطی کتابخانه مینوی

این نسخه ضمن مجموعه ای به شماره ۳۴۶۲ در کتابخانه مرحوم مینوی نگهداری می شود. این مجموعه دارای سه کتاب نامه نامی، رقعات نصیرا، ثمره الفؤاد یا نوباه لاهوری است. کاتب نسخه ابوالمکارم می باشد که این نسخه را در ماه شعبان سال ۱۰۹۳ در ۳۸۲ صفحه نوشته است.

#### ۳- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی

این نسخه به شماره ۳۱۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. نسخه به خط نستعلیق در سال ۱۲۰۷ ه ق در ۳۷۱ صفحه نوشته شده است.

#### ۴- نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی

این نسخه به شماره ۷۰۷۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی محفوظ است. نسخه به خط نستعلیق در روز سه شنبه ۲۴ ماه شوال سال ۱۰۲۴ توسط احمد بن حسن علی اسفادی در ۹۷ برگ و در ۱۹۳ صفحه نوشته شده است.

متن نامه ها

لفظ سیم از سطر سیم: در تحریر نقوش سطور که مناسب نقاشان و مصوران است بر لوح خاطر فضلا ستوده مآثر این صورت سمت تحریر پذیرفته که صنعت تذهیب و تصویر موجب تزیین کتب است و سبب تسخیر و تفریح ضمیر و تصویر اگر چه به حسب شریعت نبی بشیر نذیر ممنوع است، اما حکایت صور انبیا علیهم السلام که متون سیر به ذکر آن ناطق است، دلالت بر آن می کند که آن صورت نیز در بعضی مذاهب مشروع بوده و نزد برخی از اهل خبرت، دانیال پیغمبر (ع) بدان امر قیام نموده، چنانچه بر خرد خورده دان ظاهر است. درج نمودن این رقع که صفت تحریر مییابد، پرتو این صورت به احسن وجهی بر چهره مطالعه کنندگان میتابد و السلام و الاکرام.

### تحریر تصویر خطاب نقاشان:

ای نقش رخ تو ثبت بر لوح ضمیر  
از کلک محبت تو دل نقش پذیر  
در هجر تو بر صفحه خاطر از شوق  
پیوسته کنم خیال وصلت تحریر  
چون مصور تقدیر ازلی، به قلم قدرت لم یزلی، نقش مهر و محبت و صورت اتحاد و مودت وحید دوران و مرجع مهندسان زمان، نادر العصر، خجسته نهاد، استاد کمال الدین بهزاد را بر صفحه ضمیر این فقیر، تحریر و بر لوح خاطر فاتر کالتفش فی الحجر، تصویر نموده در ایام مفارقت صوری و اوان مباعدت ضروری، روزی پی خیال وصال آن ستوده خصال نبود و شبی بی وصال خیال آن عدیم المثال، بر بستر فراغت نغزوده، «ع: جز نقش تو در نظر نیاید یارا»

بیت:

گر دورم از تو، نقش توام در نظر بس است  
دل پیش تست، دولت من این قدر بس است

بعد هذا منقوش رای عقده گشا آنکه، در این ولا، این ضعیف را داعیه چنان بود که بدان موضع شتافته، از ملاقات شریف محظوظ کرده، اما صورتی چند از پس پرده غیب چهره گشود که مانع توجه گشت. امید است که عن قریب، حجاب مهاجرت مرتفع شده، اسباب موصلت روی نماید. آنه مصور الاشیاء وقادر علی ما یشاء. مطموع آنکه پیوسته پرگاروار، پای در دایره دوستی استوار داشته، نقوش مزید موافقت و مصادقت بر صفحه اندیشه طرح نمایند و به نگاشته قلم مانی رقم، از این فقیر یاد فرمایند. چهره مقاصد از ورای استار غیب، جلوه گر باد. والسلام. (صفحه ۵۰ سطر ۱۶)

صورت جواب ایشان:

ای صورت مکتوب تو محبوب دلم  
وی چهره نامه ی تو مطلوب دلم  
این صفحه که نقش کرده خامه توست  
چون نقش مراد گشت مرغوب دلم



قلم بدیع رقم و تصویر خامه مانی شیم، به سان شمسه رخسار خوبان، دلفریب و مثال صفحه حل کاری خورشید، پر زینت و زیب، در عزیزترین اوقات و شریف ترین ساعات صورت وصال یافت و از مطالعه ملاحظه آن انوار، بهجت و سرور، بر چهره احوال این مهجور تافت.

نظم: «چه گویم چه ها دیدم از شادمانی»، در برابر صور محبت و اتحاد که از مضمون آن نوشته شریفه، مستفاد گشت، نفوس مودت و اعتقاد بر لوح ضمیر منیر به رقم می گرداند و دریافت ملاقات را از صانع ذوالجلال سوال می نماید. آنه قریب مجیب. مضموع آنکه احیاناً به همین صورت، ابواب مکاتبات مفتوح داشته، به سرانجام مهم لایقه رجوع نمایند تا پرگار صفت، پای در دایره اهتمام قلم نهاده، قلم کردار، میان سعی بر بسته، سرمویی از رسوم اجتهاد نامرعی نگذارد. زیاده از این طرح اطناپ نمی نماید. صورت مقصود را بر چهره نهج بهبود میسر باد. (صفحه ب ۵۱ سطر ۳)

### جواب مکتوب استاد قاسم علی چهره گشا از زبان استاد کمال الدین بهزاد:

چون صورت خط رسید دل چهره گشاد  
در دیده من گشت عیان نقش مراد  
نقش قلمت چنان فرح بخش آمد  
کز دیدن آن، چهره غم رفت ز یاد

نامه ای به قلم محبت مصور و صحیفه ای به رقم مودت محرر، صورت بیاضش چون بیاض عارض محبوب دلپذیر، و مضمون سوادش به سان دیده مطلوب مهر تنویر، در اعز اوقات چهره وصول گشاد و از مشاهده آن، صورت بهجت و سرور به احسن معنی روی نمود و نقوش غموم ایام، که بر لوح دل، منقش بود، به رنگ شادمانی تبدیل پذیرفت و پیکر هجوم آلام، اشتیاق که بر صفحه ضمیر مرتسم بود، به صور حصول آمانی صفت تغییر گرفت. «ع: حمد خداوند راست اذهب عنا الحزن». در برابر نقوش و یگانگی و اتحاد که از دیباچه آن، رقع شریفه مستفاد گشت، صورت ازدیاد مودت و اعتقاد بر لوح خاطر تسوید کرده، به قلم اشتیاق و آرزومندی تحریر نموده، مبلغ و مرسل می گرداند و همواره از مصور قدیم، تعالی شأنه تیسیر، اسباب صور ملاقات را، مسئلت مینمایند و امید اجابت می دارد. آنه قادر علی ذلک. زیاده از این، قلم بر موضع اطناپ نمی نهد. پیکر اقبال و کامرانی به رنگ حصول آمال و امانی، مصور باد، برب العباد. (صفحه ب ۵۱ سطر ۱۴)

### لفظ دوم از سطر هشتم

### در تصنیف مرقعی که جمال آن به مظهر رشد و رشاد استاد کمال الدین بهزاد نوشته:

نقاش ازل گشاد چون چهره مهر  
آراست مرقعی بر اوراق سپهر  
تصویر در آن نمود بیرنگ و قلم  
چندین صنم سیمتن روشن چهر

چون ارادت کامله مصور بی چون و مشیت شامله صانع کن فیکون [غافر، ۶۸]، به ایجاد صور کارخانه بوقلمون، متعلق شد، چهره گشای عنایاتازل، به قلم مکرم لم یزل، مرقع پیکر انسانیرا بر طبق آیه و صورکم فاحسن صورکم [تغابن، ۳] به خوبتر وجهی جمال حال این طایفه پسندیده خصال را به زیور اصناف علوم عربیه و زینت انواع فنون عجمیه، آرایش داده و به مقتضای کلمه کریمه و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا [اسراء، ۷۰] جانب ایشان را اکثر طوایف مخلوقات تفضیل فرموده. بیت:

کلک الهی چو رقم زد صور  
مظهر فضل و هنر آمد بشر  
در پی اظهار هنر چون شتافت  
صفحه ایام از او زیب یافت  
گاه به نوک قلم مشک سای  
کرد قلم خط فضیلت نمای  
گاه برآمیخت به هم آب و رنگ  
ساخت عیان ماه رخی بی درنگ  
گاه به گلزار سخن از هنر  
کرد روان جوی چوسیماب وزر  
گاه برافراخت درخت بلند  
میوه اوقوت دل مستمند  
ساخت گهی از قلم سحر فن  
گلبن پر گل به ریاض سخن  
کرد به هر بیت کتب چون شتاب  
شد خجل از شمسه او آفتاب  
حسن خط و صورت مردم فریب  
می برداز مردم دانا شکیب

دیده شد از صورت خط بهره ور  
 نوردیده مردمک دیده است  
 دل بود از معنوی او باخبر  
 صورت و معنی پیش پسندیده است  
 بر کمال شرف خط آیتی است، ن و القلم و ما یسطرون و آیه علم بالقلم از وفور فضیلت کتابت کنایتی. بیت:  
 خطه خط نیک به نزد خرد  
 بیش بود ز آنچه گمان می برد

و التذاد نفس بشری، از نقش و تصویر بر وجهی که صورت حال امیر و وزیر و غنی و فقیر است قابل تحریر نیست. بیان شمه ای از زیب و زینت تفریح و ترویج آن صنعت غرابت آیت نام دار قلم و بیان تیسیر پذیر نی، لاجرم از بدو ظهور عالم فضلالی اولاد امجاد بنی آدم علی نبینا و آله علیه صلوٰه مادام بالخط مصور و بالمدد و القلم بدین دو امر شریف اشتغال فرموده اند و در میدان کمال و تعوق، در ساحت مهارت قصب السبق از امثال و اقران ربوده اند، چنانچه اسامی سامی بعضی از این طبقه، در مقدمهٔ این مرقع، مرقع مذکور است و خطوط گرامی و تصویرات نامی که نگاشته قلم بدیع الشیم ایشان است در این اوراق، مصوّر و مسطور و از جمله مصوّران کامل و هنروان فاضل جامعو مرتّب این اوراق مرقع مظهر بدایع صور، صنایع و مظهر انوار هنر، نادر العصر، صافی اعتقاد سالک مسالک محبت و وداد استاد کمال الدین بهزاد است.

بیت:

مانی قلم خجسته آثار  
 استاد هنروران عالم  
 بهزاد یگانگه زمانه  
 موی قلمش ز اوستادی  
 در دقت طبع موشکاف است  
 تکمیل مهارتش در این فن  
 بگشای نظر ز روی انصاف  
 کاراست جمال این صحایف  
 در صورت حسن و خط و تصویر  
 بی شائبهٔ تکلف و غایلهٔ تصلف تا صفحهٔ عارض خوبان گل عذار، از ریحان خط مشکبار آرایش یافته به مشابه خطوطی که در این مرقع مرقوم است، قلم بر صفحه کاغذ ننهاد و تا مرقع سپهر به صورت نورافشان ماه و مهر مصوّر گشته، پرتو شعور هیچ مهندس بر امثال صوری که این اوراق مزین دارد، نیفتاده >قطره ای که غواص قلم گوهر بار از لجه دوات به ساحل این اوراق رسانیده، در یست گران بها و هر صورت که مصوّر خاطر غرابت مآثر از لوح دل، بر صحایف اینکتاب نقل نموده، حوری است روح افزا.

هر گوهر مراد که در بحر خوشدلی  
 پرورده اند جمله در این بحر حاصل است  
 همچون جمال مشعله افروز دیده هاست  
 همچون وصال خرمی اندوز هر دل است

و چون تعریف لطافت آن دُر ثمین و توصیف نفاست آن صور بدایع آیین، پایه هر بی مایه و توشه نیست، قلم مشکین رقم به ایراد رباعی که در باب مدح جناب استادی گفته شده، اقتصاری نماید.

رباعی:

موی قلمت تا به جهان چهره گشاد  
 پر چهرهٔ مانی رقم نسخ نهاد  
 بس طبع کند صورت نیکوزادان  
 طبع تو و لیک از همه آنها بهزاد

والحمد و الثنا المصور صور العباد و الصلوة و السلام علی سیدنا محمد مادام الحظ مصورا بالقلم و المداد و آله، مظهرتخته وجود، ظاهر تواند نمود و نقاب حجاب از چهره مقصود تواند گشود، مفوض و متعلق بدو باشد. صور الهدایه و الرشاد و عتره الذینهم شفعاونا فیوم الثناء. (صفحه ب ۱۰۳ سطر ۴)  
 لفظ سیم از سطر نهم: در ذکر مناشیری که به طبقه اوسط مناسبت داشته باشد.

### منشور کلانتری کتاب خانه همایون به اسم استاد کمال الدین بهزاد

چون ارادت مصور کارخانه ایجاد و تکوین و مشیت به کارخانه آسمان که بر طبقه کلمه و صورت کم فاحسن صورت کم [نغابن، ۳] نقش وجود به مراتب نمودند، نوع بشر در احسن صور بر صفحه امکان پرداخته قلم قدرت اوست و به صور صورت تفضیل افراد انسانی بر سایر مخلوقات ربانی به مقتضای و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا [اسراء، ۷۰] تحریر کرده، افاضل حکمت او و منشور انا جعلناک خلیفه فی الارض [ص، ۲۶] را بر صحیفه حل کاری خورشید، به خامه عطارد و به نام همایون ارتسام، ما امضا نموده و اوراق سپهر لاجوردی را جهت کتابت روزنامه آثر فتح و نصرت، به افشانقره کوب کواکب جدولشجره گون شفق، منقش و مزین فرمود. لایق آن و مناسب چنان می نماید که لوح ضمیر الهام پذیر همایون که مطرح اشعه انوار الهی و مظهر صورخیرخواهی است، بدان صورت مصور باشد که همه مهمام، از کرایم مهمات کامرانی و هر امری از عظیم امور کارخانه جهانبانی بهره مندی دانا و کاردانی فضیلت انتماء که به طراحی ذهن باریک بین و رنگ آمیزی طبع ظرافت آیین، طرح ابداع انواع کفایت و نقش اختراع اصناف و غرابت بر تخته وجود، ظاهر تواند نمود و نقاب حجاب از چهره مقصود تواند گشود، مفوض و متعلق بدو باشد.

بناء علی هذا، در این ولا نادر العصری قدوة المصورین، استاد کمال الدین بهزاد که از قلم چهره گشایش، حال مانی خجل شده و از کلک صورت آرایش لوح ارتنگ، منفعل گشته و پیوسته قلم وار سر بر خط فرمان واجب الاذعان نهاده و پرگار مثل، پای در مرکز ملازمت آستان خلافت آشیان، استوار کرده، مشمول الطاف خسروانه و اعطاف پادشاهانه ساخته، حکم فرمودیم که منصب استیفاء کلانتری مردم، کتاب خانه همایون و کاتبان و نقاشان و مذهبان و جدول کشان و حل کارانو زرکوبانو لاجوردشویان و سایر جماعتی به امور مسطوره منسوب باشد، در ممالک محروسه متعلق و مفوض بدو باشد، امرای روشن ضمیر و وزرای بی شبه و نظیر و نواب درگاه عالم پناه و ایچکیان بارگاه سپهر اشتباه و میاشران امور سلطانی و متصدیان مهمام دیوانی عموماً و اهالی کتاب خانه همایون و جماعت مذکور، خصوصاً آن که استناد مشارالیه را مستوفی و متعهد به امر کلانتری دانسته، کارهای کتاب خانه را به استیفا برآورد او رسانند آنچه از لوازم مهمات مذکوره است، چهره دیانت بر لوح خاطر و صفحه ضمیر، مصور و مرتسم گردانیده، به طریق راستی در این امر شروع نمایند و از میل و مدهانه، محترز و مجتنب بوده، از جاده صدق و صواب، انحراف و اجتناب نکنند از جوانب بر این جمله بروند و چون این حکم به نقش توقیع و قیوع اشرف اعلی، منقش و مشرف و محلی گردد، اعتماد نمایند. تحریراً به تاریخ شهر فلان و سنه فلان. (صفحه ب ۵۰ سطر ۱۶)

### منابع

۱. قرآن مجید
۲. آریان، قمر (۱۳۶۲)، کمال الدین بهزاد، نشر و فرهنگ، چاپ اول، تهران
۳. آژند، یعقوب (۱۳۶۸)، کمال الدین بهزاد، امیرکبیر، چاپ اول، تهران
۴. افشار، ایرج؛ محمدتقی دانش پژوه (۱۳۴۸)، نسخه خطی نشریه کتابخانه مرکزی و اسناد دانشگاه تهران، دفتر ششم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
۵. اوحدی بلیانی، تقی الدین محمد، (۱۳۸۹)، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تصحیح ذبیح الله صافکاری و آمنه فخر احمد با نظارت علمی محمد قهرمان، میراث مکتوب، تهران
۶. جداری کریمیان، عباس (۱۳۸۹)، «خواندمیر» کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۴، ص ۷۶
۷. حافظیان بابلی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، فهرست نسخه های خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، انتشارات کتابخانه موزه اسناد مجلس شورای اسلامی، جلد ۳۱، تهران

۸. خبرزاده، علی (۱۳۷۰)، نثر پارسی در آیینۀ تاریخ، آموزش و پرورش انقلاب اسلامی، چاپ اول، جلد دوم، تهران
۹. خواندمیر، امیرمحمود بن غیاث الدین (۱۳۷۰)، تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، مقدمه تصحیح محمد علی جراحی، گستره، تهران
۱۰. خواندمیر، غیاث الدین (۱۳۳۳)، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، مقدمه جلال الدین همایی، خیام، تهران
۱۱. ---، --- (۱۳۵۵)، دستور الوزرا، تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، اقبال، چاپ دوم، تهران
۱۲. ---، --- (۱۳۷۲)، مآثر الملوک، تصحیح میرهاشم محدث، خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، تهران
۱۳. ---، --- (۱۳۷۸)، مکارم الاخلاق، تصحیح محمد اکبر عشیق، آئینه میراث، چاپ اول، تهران
۱۴. درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، فهرست وارۀ دست نوشته های ایران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مجلد دهم، تهران
۱۵. رازی، امین احمد، (بی تا)، تذکره هفت اقلیم، به کوشش جواد فاضل، چاپ اول، جلد ۳، علمی وادبیه، تهران
۱۶. صفا، ذبیح الله (۱۳۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران، فردوس، چاپ دهم، جلد چهارم، تهران
۱۷. فراهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۱)، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، تهران
۱۸. قزوینی، محمد (۱۳۶۳)، بیست مقاله، با مقدمه پورداوود و عباس اقبال، دنیای کتاب، چاپ دوم، تهران
۱۹. قمی، قاضی میر احمد بن شرف الدین حسین، (بی تا)، گلستان هنر، منوچهری، تهران
۲۰. قوام، ابوالقاسم، (۱۳۹۱)، اسلوب نوشتار نامه های فارسی و توصیف طبقه بندی گونه نامه ها، محمود فتوحیومحمد رضا هاشمی، مجله ادب، شماره اول، سال پنجم، صص ۴۹-۶۱
۲۱. گلچین معانی، احمد (۱۳۴۶)، فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، انتشارات اداره کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد هفتم، بخش دوم، مشهد
۲۲. موسوی لر، اشرف الدین، (۱۳۸۴) بررسی ابعاد مدیریت هنری کمال الدین بهزاد، حبیب الله آیت اللهی و...، نشریه هنر های زیبا، شماره ۲۱، صص ۸۷-۹۶
۲۳. نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۹)، رجال کتاب حبیب السیر، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، تهران
۲۴. نوایی، امیر علیشر (۱۳۶۳)، تذکره مجالس النفایس، به کوشش علی اصغر حکمت، گلشن، چاپ اول، تهران
۲۵. نوروزیان، گیتی، (۱۳۸۶)، بهزاد و نسخه ظفرنامه تیموری ۹۳۵ هجری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۲، صص ۷۳-۸۰

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

تازه ترین

بررسی مقاله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین  
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

PROPOSAL  
پروپوزال

تازه ترین

پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

تازه ترین

آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو